

در جست‌وجوی معنای شرق

به دلیل نقش محوری مفهوم شرق در موضوع مجله در هر شماره سخنی ویژه به بازخوانی نظریه‌های مربوط به آن می‌پردازد.

shjavadi@ut.ac.ir

استادیار گروه مطالعات عالی هنر پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

شرق، لفظ مشترکی است که معانی بسیار دارد. در دو شماره گذشته آرای شرق‌شناسان را در این زمینه مرور کردیم. پیگیری مفهوم شرق نزد متفکران ایرانی نظریه‌ صریح‌تری را بیان می‌کند: شرق معادل کمال و عالی است. «فردید» که فیلسوفی تأثیرگذار در تاریخ ایران بود بسیار کوشید به لحاظ فلسفی مسیر مبارزه با غرب و غربزدگی را نشان دهد. او سرمنشأ برخی تحولات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی است و آینده‌ای زیبا را پیش روی جامعه ترسیم کرد و انقلاب اسلامی را خروج آدمی از امروز و ورود آن به فردا می‌داند. وی به امت واحد (شرق) اشاره می‌کند که کلمه قرآنی است و در تفاسیر دینی به آغاز خلقت بشر اشاره دارد، به زمانی که انسان‌ها با یکدیگر تحت هدایت خداوند و در فضای توحید زندگی می‌کردند؛ از این‌رو امت واحد را آغاز تاریخ می‌داند که همان شرق است. «داوری»، شاگرد فردید، معضل غرب‌زدگی را ناشی از کوشش‌های فلسفی غرب برای شناخت خود و گذشته‌اش می‌داند. او پایان سرگشتگی را در شناخت کامل غرب و گذشته خود می‌داند، به انقلاب اعتقاد دارد و سخن از مقابله شرق و غرب می‌راند و مانند فردید، آینده غرب را همان شرق می‌داند که امروز ماده غرب است. «جلال آل‌احمد» متفکر ایرانی نیز غرب‌زدگی را فعلی اقتصادی می‌شمارد: برای من غرب و شرق نه مفهوم جغرافیایی دارد نه سیاسی. غرب یعنی ممالک سیر و شرق یعنی ممالک گرسنه. «شریعتی» جامعه‌شناس، معتقد است: شرقی‌ها برای هرچیز یک تعریف ثابت دارند پس به حقیقت‌های ثابت معتقدند. درحالی‌که غربی‌ها معتقد به تبدیل و تغییرند و معتقدند شیء ازلی وجود ندارد و حقایق ناپایدارند. شرقی همه‌چیز را مقدس و ازلی می‌بیند و بی‌آنکه به امکان تغییر بیندیشد، تسلیم است.

در فلسفه شرق بر وحدت وجود خداوندی، که عالم مظهر اوست، تأکید می‌شود. در مکاتب مختلف فلسفه هند و حکمت و اشراق ایرانی - اسلامی همه‌چیز جلوه وجود خداست، منتها انسان در رده خاصی قرار می‌گیرد؛ زیرا انسان، عالی‌ترین مظهر وجود الهی است. مفهوم شرق در ایران باستان و نزد حکمای اسلامی با نور و روشنایی در ارتباط است. شرق و غرب در ادبیات و اندیشه فلسفی ایرانیان نیز بکار رفته است؛ «بوعلی سینا» و «سهروردی» که در سلوک و فلسفه عرفانی برای نخستین‌بار این واژه‌ها را به کار بردند، غرب را مظهر ظلمت و گمراهی، و شرق را مهد نورانیت می‌دانند. در آثار کهن فارسی همواره شرق نماد عرفان و اتحاد با عقل کل، و غرب نماد ظلمت و گمراهی آمده است. سرزمین هند با پیشینه مشترک فرهنگی با ایران و حضور ۸۰۰ ساله مسلمانان دارای آثار با ارزشی در زمینه‌های فرهنگی، ادبی، هنر و معماری است که کشف و معرفی ناشناخته‌های آن برای شناخت هدایت تمدن شرق ضروری است.

این شماره از مجله هنر و تمدن شرق به مقالات برگرفته از سفر اکتشافی هندوستان در زمینه باغسازی اختصاص دارد. سرزمین پهناور هند از دیرباز پذیرای آریاییان بوده و در دوره حکومت مسلمانان به رشد و شکوفایی چشمگیری در زمینه‌های هنری- فرهنگی دست یافت. باغسازی به عنوان نمونه مهمی از هنر ایرانی به هند رفته و در آنجا رونق گرفت و از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی هند برخوردار شد. هنر باغسازی هند در دوران گورکانیان تاحدودی معرفی شده، اما تجزیه و تحلیل گونه‌های بارز آن به شکل مقایسه‌ای با باغسازی ایرانی برای اولین بار در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۰ انجام شد. ۴۰ نفر از پژوهشگران مرکز پژوهشی نظر در مدت ۱۸ روز همراه با مطالعات پیش از سفر، که مقایسه باغ‌های هندی و ایرانی بود، یافته‌های خود از مرور اکتشافی باغ‌های هند را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند؛ نتایج بدست‌آمده در خصوص شیوه ساخت، ویژگی‌ها و تأثیرپذیری باغ هندی از گونه ایرانی، موارد تشابه و اختلاف آنها را در قالب مقالاتی ارائه دادند که در نوشته‌های پیشین کمتر دیده شده است. این مقالات با یک بیانیه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، مجموعه منحصر به فردی در مطالعه تطبیقی باغ ایرانی در هند و ایران است.